

# سرمایه‌گذاری خارجی، ابزاری برای همگرایی جهانی

نویسندگان: ریحانه گسگری، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی آبادان - خرمشهر  
علیرضا اقبالی، عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور مرکز آبادان

## چکیده

در این مقاله، نویسندگان پس از مروری به نظریه‌های همگرایی، به اهمیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با توجه به مشاهدات خارجی پرداخته‌اند و به صورت تئوریک به اثرات آن، به خصوص در مورد کشورهای در حال توسعه اشاره کرده‌اند. آنها پس از پرداختن به اثرات سرمایه‌گذاری خارجی در قالب مزایای اقتصادی و سرریز تکنولوژی، به اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در حوزه اقتصاد سیاسی ایران و نقش آن در حل مشکلات اقتصادی و کاهش مناقشات سیاسی اشاره کرده‌اند.

## مقدمه

در گذشته، سرمایه‌گذاری خارجی، مترادف سلطه‌پذیری دولت تلقی می‌گشت. این برداشت، از سوی احزاب، فعالان و روشنفکران سیاسی نیز دامن زده می‌شد<sup>(۱)</sup>. این در حالی است که امروزه جلب سرمایه‌گذاری خارجی یکی از نشانه‌های موفقیت در اقتصاد ملی بشمار می‌رود، به طوری که کشور چین که فقط نام سوسیالیسم را به همراه دارد، بیشترین سرمایه‌گذاری خارجی را در کشورهای در حال توسعه جذب کرده است.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نسبت به روش‌های دیگر همچون جریان انتقال سرمایه (وام) علاوه بر تامین منابع ارزی مورد نیاز، دربردارنده

انتقال تکنولوژی، ادغام اقتصاد ملی در اقتصاد جهانی، تقویت شرایط رقابتی در داخل کشور، دسترسی به بازارهای صادراتی، انتقال روش‌های مدیریت و تربیت نیروی انسانی است و به نظر می‌رسد که یکی از مهمترین ویژگی‌های آن هم ایجاد روابط، ثبات اقتصادی و به دنبال آن، سیاسی است.

## مروری بر نظریه همگرایی

نظریه همگرایی تا چند دهه پیش به دنبال پیش‌بینی جهانی بود که در آن، نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی در یک افق بلندمدت به یکدیگر نزدیک شوند و سرانجام، یک نظام فی‌مابین را ایجاد نمایند.

**یان‌تین برگن** معتقد بود که نظام‌های اقتصادی به هر صورت و شکلی که باشند، بایستی در یک هدف مشترک باشند و آنها هم به حد اکثر رساندن رفاه مردم است.

طرح نظریه همگرایی سابقه طولانی دارد، در حالی که هنری سن‌سیمون<sup>(۲)</sup> (۱۷۶۰-۱۸۲۴) معتقد به همگرایی در یک جهان صنعتی بود و به آن عنوان "همگرایی به سوی صنعت‌گرایی مسیحی"<sup>(۳)</sup> می‌داد. سن‌سیمون معتقد بود که با صنعتی‌شدن کشور، طبقات اجتماعی سقوط می‌کنند و جامعه توسط طبقه

برگزیده و تحصیل‌کرده اداره می‌شود، در حالی که کارل مارکس<sup>(۴)</sup> (۱۸۱۸-۱۸۸۳) به طرح یک جهان کمونیستی و گذر از مرحله سرمایه‌داری توسط یک انقلاب معتقد بود.

در این میان، "هایک" اقتصاددان طرفدار بازار معتقد بود که برنامه‌ریزی متمرکز نمی‌تواند با موفقیت همراه باشد و سبب می‌شود که بازدهی به شدت کاهش یابد. وی معتقد بود که سرمایه‌داری و سوسیالیسم قابل جمع نیست و سرانجام، سرمایه‌داری سوسیالیسم را سرنگون خواهد کرد، دیدگاهی که "فریدمن" نیز سخت بدان معتقد بود<sup>(۵)</sup>. در این گروه، "روستو" دیدگاه‌های معتدل تری داشت و معتقد بود که اتحاد جماهیر شوروی برای گذر از مرحله "بلوغ اقتصادی"<sup>(۶)</sup> به مرحله نهایی "عصر مصرف انبوه"<sup>(۷)</sup>

مشکلات عدیده‌ای خواهد داشت، لذا باید در اصول اولیه خود تجدیدنظرهای اساسی ایجاد کرد. "یان‌تین برگن" در سال ۱۹۵۹ مقاله‌ای تحت عنوان "نظریه رژیم بهینه"<sup>(۸)</sup> را منتشر ساخت و در آنجا اعلام کرد که نظام‌های اقتصادی به هر صورت و شکلی که باشند، بایستی در یک هدف مشترک باشند و آن هم به حداکثر رساندن رفاه مردم است. وی در نظریه خود شرایطی را در یک اقتصاد در نظر گرفت که در صورت رسیدن به آن شرایط، نظام بازار آزاد می‌تواند به رفاه جامعه کمک کند و در مقابل، در شرایطی دیگر این نظام برنامه‌ریزی است که می‌تواند پاسخگو باشد. از اینرو، وی یک نظام مختلط را پیش‌بینی کرد که

سراتجام، بلوک شرق و بلوک غرب به آن سوی حرکت خواهند کرد.

"ماکس وبر" با نظریه خود تحت عنوان "سقوط ایدیولوژی" و "ظهور خردگرایی" بنیانگذار مکتب "همگرایی به سوی عمل‌گرایی" (۷) است. این مکتب، متفکران بزرگ دیگری همچون "بیرتراند راسل" و اقتصاددانانی همچون "گالبرایت" دارد. "گالبرایت" معتقد است که طبیعت تکنولوژی اهمیت زیادی دارد و این مساله سبب همگرایی کشورهای صنعتی می‌شود. یکی از شاخه‌های این دیدگاه توسط "لیپست" مطرح شده است که "سوسیالیسم محافظه کار" (۸) نام دارد. در سال ۱۹۶۰ "دون لوپ هارلیسون"، "روبرت مایرز" و "کلارک کر" در کتاب "صنعت‌گرایی و انسان صنعتی" به روابطی در مباحث مدیریت و نیروی کار پرداختند و معتقد بودند که این مباحث، در هر دو نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم یکسان است (۹) و این نظام برنامه‌ریزی است که می‌تواند پاسخگو باشد. از اینرو، وی یک نظام مختلط را پیش‌بینی کرد که سراتجام بلوک شرق و بلوک غرب به آن سوی حرکت خواهند کرد. نظام مختلط هم نظامی است که از مزایای نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیسم برخوردار و از نکات منفی آنها به‌دور است.

به نظر می‌رسد که امروزه مباحث نظری فوق با واقعیتی به نام "سرمایه‌گذاری خارجی" روبرو شده است. سرمایه‌گذاری خارجی، سبب نزدیکی کشورها و مناطق جغرافیایی می‌شود و مرزها را فرومی‌پاشد و ابزار اصلی جهانی‌شدن در حوزه اقتصاد محسوب می‌شود. بنابراین، جهانی‌شدن اقتصاد زمانی تحقق پیدا می‌کند که مرزهای جغرافیایی و حاکمیت ملی در فعالیت‌های اقتصادی، از قبیل تجارت، سرمایه‌گذاری و نقل و انتقالات مالی کمترین نقش را ایفا نمایند. در این روند، کشورها وابستگی متقابل به یکدیگر پیدا می‌کنند، کنترل دولت‌ها و ملت‌ها در نقل و انتقالات مالی و فن‌آوری به شدت کاهش می‌یابد و در بلندمدت حذف می‌شود (۱۰). این مساله سبب شده است که نگرانی‌هایی از سوی جهانی‌شدن بر حاکمیت کشورها مستولی شود (۱۱).

### اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی

در سه دهه پیش، عمده سرمایه‌گذاری خارجی صورت‌گرفته از سوی کشورهای صنعتی در خود کشورهای صنعتی بود و سهم کمتری از آن به

کشورهای در حال توسعه اختصاص پیدا می‌کرد. جدول شماره یک نشاندهنده وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته است. این مساله نشان می‌دهد که پس از گذشت حدود یک دهه، سهم کشورهای توسعه‌یافته به عنوان میزبان سرمایه‌گذاری خارجی، از ۶۹ درصد، به ۷۴ درصد افزایش یافته است.

جدول شماره یک

#### سهم سرمایه‌گذاری خارجی صورت‌گرفته

شرح	۱۹۶۷	۱۹۷۵
کشورهای توسعه‌یافته	۶۹	۷۴
کشورهای توسعه‌نیافته	۳۱	۲۶

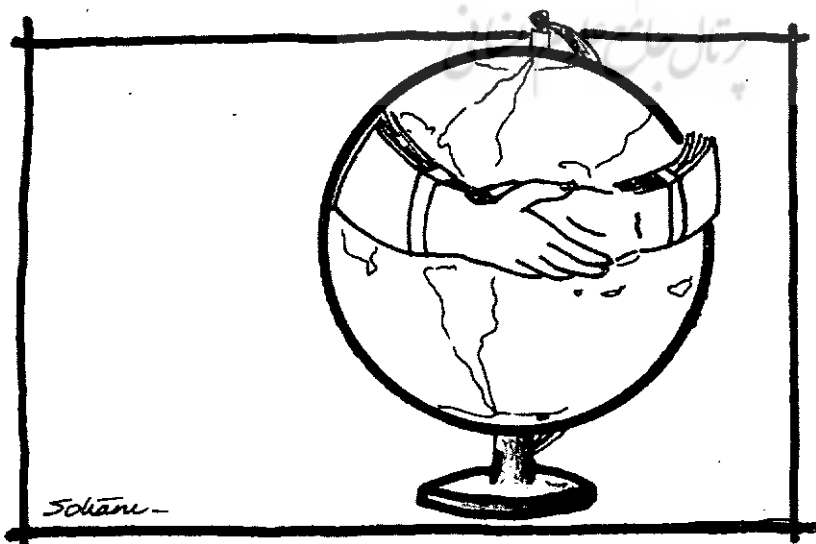
مأخذ: مشکلات اقتصادی جهان سوم / عبدالناصر همتی / صفحه ۱۳۱.

اما در دهه ۱۹۸۰ پس از اصلاحات اقتصادی و به‌دنبال آن فروپاشی کشور شوروی، موجی در جهان سوم در خصوص استقبال از سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد شد. سپس این امر به صورت سیاست آزادسازی اقتصادی - که در حقیقت، همان رفع موانع و تعرفه‌های گمرکی است - از جانب بسیاری از کشورها اعمال شد و سبب گردید که جریان سرمایه‌گذاری خارجی در دهه ۱۹۹۰ تقریباً چهار برابر شود.

بیش از ۸۰ درصد جریان‌های سرمایه، شامل سرمایه‌گذاری خارجی است. "لال" (۱۹۹۵) در

مطالعه‌ای استفاده از مهارت‌های نیروی کار کشور میزبان را نشان‌دهنده زمینه انتقال تکنولوژی می‌داند. "براون" و همکاران (۱۹۹۵) نیز در مطالعه‌ای در مورد ۶۹ کشور در حال توسعه نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سبب انتقال تکنولوژی می‌شود. همچنین، در این مطالعه مشخص شد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به رشد اقتصادی کمک می‌کند و اثر آن بر رشد بیشتر از سرمایه‌گذاری داخلی است. مطالعات دیگر نیز همچون "بلومسترام" و همکاران (۱۹۹۲) نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه با انتقال تکنولوژی توأم است. از سوی دیگر، در مطالعه‌ای که متعلق به "کوی" و همکاران (۱۹۹۵) می‌باشد، نشان داده شده است که بهره‌وری در آن دسته از کشورهای در حال توسعه که پیوندهای قوی‌تری با کشورهای عضو OECD دارند، بیشتر است. مطالعات "وی" (۱۹۹۷) نیز نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین سبب انتقال تکنولوژی شده است. این مطالعه، با دوره‌هایی که در ۴۳۴ ناحیه شهری طی سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۸ گرفته شده، نشان می‌دهد که شرکت‌های چینی که با خارجی‌ها به صورت‌های مختلف مشارکت داشته‌اند، دارای رشد سریعی بوده‌اند.

از سوی دیگر، مشخص شده است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باعث تشویق صادرات و دسترسی به بازارهای صادراتی می‌شود. مطالعه "فری" (۱۹۹۳)



▲ سرمایه‌گذاری خارجی، ابزار اصلی جهانی‌شدن در حوزه اقتصاد است.

نشان می‌دهد که گرایش شعب خارجی شرکت‌های آمریکایی، به صادرات که به‌وسیله نسبت صادرات به تولید اندازه‌گیری می‌شود، در دو دهه اخیر سه برابر شده است و این امر در آمریکای لاتین با وجود بحران بدهی‌ها، معادل ۳۹ درصد رشد داشته است. "کلاریت" و "میلااد" (۱۹۹۸) هم اثر سرمایه‌گذاری خارجی را بر پس‌انداز و رشد اقتصادی مثبت تخمین زده‌اند.

### سرمایه‌گذاری خارجی و همگرایی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یکی از عوامل تقویت همگرایی جهانی است. این پدیده موجب پیوند میان بازارهای سرمایه و نیروی کار می‌شود و در عین حال، سطح دستمزدها و بهره‌وری سرمایه در کشورهای میزبان را به سطح کشورهای صادرکننده سرمایه نزدیکتر می‌کند، به‌طوری که در درازمدت می‌توان سرمایه‌گذاری خارجی را جایگزین مهاجرت دانست.

در گذشته، شرکت‌های چندملیتی به دلیل وجود موانع تعرفه‌ای، محدودیت‌های ملی را می‌پذیرفتند و بنابراین، نمی‌توانستند در حداکثر کارایی خود باشند، اما امروزه با حذف این موانع، رقابت میان این شرکت‌ها، به خصوص از زمانی که هزینه‌های حمل‌ونقل و انتقال تکنولوژی بسیار کاهش پیدا کرده، چشمگیرتر شده است.

**سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سطح دستمزدها و بهره‌وری سرمایه در کشورهای میزبان را به سطح کشورهای صادرکننده سرمایه نزدیک می‌کند، به‌طوری که در درازمدت می‌توان سرمایه‌گذاری خارجی را جایگزین مهاجرت دانست.**

توزیع نامتوازن سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از تولید ناخالص ملی را تا حدودی می‌توان براساس نزدیکی با بازارهای بزرگ (از جمله بازار داخلی کشور میزبان) و تا حدودی نیز برپایه پیشرفت در اجرای اصلاحات ساختاری و حذف مقررات دست‌وپاگیر، به‌ویژه آنهایی که به بازگشت آزادانه سود و سرمایه مربوط می‌شود، تبیین کرد. بنابراین، به‌نظر می‌رسد که همگرایی در جهت سود است. به‌عبارت

دیگر، کشورهای توسعه‌یافته - و حتی توسعه‌نیافته - به این امر واقف شده‌اند که آنچه سبب ادامه حیات اقتصادی آنهاست، مساله مازاد حاصل از پس‌انداز است و رسیدن به یک وضعیت مطلوب - بدون هیچگونه پیشداوری و طرح مسایل و مباحث تئوریک - نیاز به افزایش سرمایه‌گذاری دارد و سرمایه‌گذاری هم نیاز به پس‌انداز دارد. اما از آنجایی که کشورهای درحال توسعه همیشه مشکل سرمایه دارند، بنابراین، پس‌اندازی حاصل نمی‌شود و همیشه میان پس‌انداز واقعی و سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده شکافی وجود دارد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند سبب شود که در حساب تراز سرمایه وضعیت بهبود یابد.

### ایران و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

امروزه پیوستن به معاهدات تجاری بین‌المللی، از جمله عضویت در سازمان جهانی تجارت، حساسیت‌هایی را در ایران ایجاد کرده و گرچه این مخالفت‌ها اخیراً کمرنگ شده است، اما هنوز هستند کسانی که جهانی‌شدن را "آمریکایی‌شدن" و یا "بحران هویت" می‌دانند<sup>(۱۲)</sup>. اقتصاد دولتی وابسته در چند دهه گذشته سبب شده است که نظام و مکانیسم قیمت‌ها دچار اختلالات ساختاری شود و هرگونه برنامه‌ریزی برای تعدیل اقتصادی سبب مقاومت‌های گروه‌های اجتماعی و به‌دنبال آن، بروز نارضایتی و بحران‌های شهری می‌شود. این در حالی است که هنوز ایران جزو معدود کشورهایی است که به عضویت سازمان جهانی تجارت پذیرفته نشده است. "الیاسی" (۲۰۰۰) معتقد است که ورود ایران به تجارت آزاد و حذف یارانه‌ها، احتمالاً اگر به نفع تمام بخش کشاورزی نباشد، به برخی از قسمت‌های آن سود می‌رساند، در حالی که چشم‌انداز در بخش صنایع کارخانه‌ای منفی است. وی سپس با تقسیم بنگاه‌های اقتصادی به سه اندازه بزرگ (با بیش از ۵۰ کارگر)، متوسط (بین ۱۰ تا ۵۰ کارگر) و کوچک (زیر ۱۰ کارگر) و با فرض دولتی‌بودن بنگاه‌های بزرگ و تعدادی از بنگاه‌های متوسط و خصوصی‌بودن بنگاه‌های کوچک و تعداد دیگری از بنگاه‌های متوسط، پیش‌بینی می‌کند که با عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت، بنگاه‌های بزرگ و متوسط، از نوع دولتی به سختی لطمه خواهند خورد و در این میان، فقط چشم‌انداز مثبتی برای بنگاه‌های متوسط خصوصی وجود خواهد داشت.

از آنجایی که سرمایه‌گذاری خارجی تا قبل از انقلاب اغلب به صورت وام بود و پس از انقلاب وجود آن به کلی ممنوع شد و این مساله به صورت صریح در قانون اساسی نیز ذکر شد، لذا امکان مطالعه کمی و تاثیر آن نسبت به متغیرهای دیگر اقتصادی موجود نمی‌باشد. با وجود این، با بررسی وضعیت اقتصادی ایران به‌نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند در موارد زیر در ایران و به‌خصوص در حوزه مسایل اقتصادی و سیاسی آن موثر باشد:

**از آنجایی که سرمایه‌گذاری خارجی، به‌ویژه در صنایع، جایگزین سرمایه‌گذاری دولتی می‌شود، لذا از حجم عملیاتی دولت می‌کاهد و به‌نفع اقتصاد ملی است.**

الف) این فرآیند، به کوچک‌شدن دولت منجر می‌شود. به عبارت دیگر، از مجموع ۲۶/۳ میلیارد دلار درآمد ارزی کشور، معادل ۲۲/۴ میلیارد دلار از طریق فروش نفت خام تامین می‌شود و این ردیف بودجه به طور مستقیم به حساب دولت واریز می‌شود و دولت نیز در دو بخش هزینه‌های مصرفی و هزینه‌های عمرانی آن را مصرف می‌نماید. نظام برنامه‌ریزی متمرکز در ایران با قدمت تاریخی خود سبب ناکارآمدی هزینه‌ها شده است. نوع بودجه‌ریزی در ایران از یک سیستم و نظام کهنه برخوردار است و برای بخش‌های دولتی مشکلات مختلفی را ایجاد می‌کند و سبب می‌شود که دستگاه‌های دولتی که حجم قابل‌ملاحظه‌ای از اقتصاد را تشکیل می‌دهند، کارآ نباشند. از آنجایی که در این فضا سرمایه‌گذاری خارجی، به‌خصوص در صنایع، درحقیقت، جایگزین سرمایه‌گذاری دولتی می‌شود، بنابراین، از حجم عملیاتی دولت می‌کاهد و این امر به‌نفع اقتصاد ملی است.

ب) سرمایه‌گذاری خارجی سبب می‌شود که شکاف بین سرمایه‌گذاری مورد نیاز و پس‌انداز ملی که در ایران از چند دهه گذشته وجود داشته است، کاهش یابد. در این صورت، دولت می‌تواند به رقم سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده دست یابد و این امر سبب خواهد شد که رشد اقتصادی موردنظر مطلوب شود و بیکاری هم کاهش یابد.

پ) سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند مزیت امنیت ملی را نیز افزایش دهد. به‌عبارت دیگر، حضور

Strategy, In Jevé Bahrman and T.N.Sriviason, eds / Handbook of Development Economics / Vol.3 / Amsterdam / North-Holland.

5) Fry, M. / 1993 / Foreign Direct Investment in a Macroeconomic Framework / Policy Research Working Paper / 1141 / World Bank / International Economic Department / Washington.

6) Lall, S. / 1992 / Technological Capabilities and Industrialization / World Development / No.20 / PP.165-187.

8) Markusen, J. / 1995 / The Boundaries of the Multinational Enterprise and the Theory of International Trade / Journal of Economic Perspective / Vol.9 / PP.169-189.

9) Pack, H. and Saggi, K. / 1997 / Inflows of Foreign Technology and Indigenous Technological Development / Review of Development Economics / No.1 / PP.81-98.

10) Wei, S.J. / 1997 / Foreign Direct Investment in China, Sources and Consequences in Takatoshi Ito and Anna O.Kreuger, eds / Financial Deregulation in East Asia / University of Chicago Press.

Industrial Societies / Harvard University Press / New York.

10) Sklair, L. / 1994 / Capitalism and Development / Rutledge Press / London / PP.17-34.

۱۱) سیمبر، رضا / جهانی شدن اقتصاد و تاثیر آن بر حاکمیت ملی کشورها / اطلاعات سیاسی - اقتصادی / سال شانزدهم / شماره ۱۷۵-۱۷۶ / ۱۳۸۱ / صفحات ۷۱-۵۸.

۱۲) قراگزلو، محمد / جهانی شدن / اطلاعات سیاسی - اقتصادی / سال شانزدهم / شماره ۱۷۷-۱۷۸ / خرداد و تیرماه ۱۳۸۱ / صفحات ۹۷-۸۰.

### منابع فارسی

۱) اقبالی، علیرضا / تشکیل سرمایه و تفکر اقتصادی در احزاب سیاسی در ایران / انتشارات چاپخش / تهران / ۱۳۸۱.

۲) سیمبر، رضا / جهانی شدن اقتصاد و تاثیر آن بر حاکمیت ملی کشورها / اطلاعات سیاسی - اقتصادی / سال شانزدهم / شماره ۱۷۵-۱۷۶ / ۱۳۸۱ / صفحات ۷۱-۵۸.

۳) فریدمن، میلتون / سرمایه داری و آزادی / ترجمه غلامرضا رشیدی / انتشارات نشر نی / ۱۳۸۰ / صفحات ۳۴-۱۷.

۴) قراگزلو، محمد / جهانی شدن / اطلاعات سیاسی - اقتصادی / سال شانزدهم / شماره ۱۷۷-۱۷۸ / خرداد و تیرماه ۱۳۸۱ / صفحات ۹۷-۸۰.

### منابع انگلیسی

1) Ciaret, M. and Mapalad, M. / 1998 / Foreign Capital Inflows and Saving in the Philippines / Saving and Development / No. 1 / XX 11 / PP.5-25.

2) Coc, D., Helman, E. and Hoffmaister / 1995 / North-South R & D Spillovers / Discussion Paper 1133 / Center for Economic Policy Research / London.

3) Eghbali A.R. / 2002 / Capital Formation and Political Parties Viewpoint: the case of Iran / Chappakhsh Press / Tehran.

4) Evenson, R.E. and Westhal, L. / 1995 / Technological Change and Technology

سرمایه گذاری خارجی در مناطق آسیب پذیر کشور مانند مناطق جنوبی و شرقی ایران و مناطق نزدیک به کشورهای عراق و کویت، و ایجاد منافع برای آنها سبب می شود که نقاط آسیب پذیر امن شوند. طبیعی است که در آن صورت، می توان انتظار داشت که طرف های تجاری هرگونه ناامنی را در تضاد با منافع خود تلقی نمایند و در رفع و از بین بردن آن با کشور میزبان همراه شوند.

### نتیجه گیری

در گذشته، پیرامون نظریه همگرایی تئوری های مختلفی وجود داشت و عمده این تئوری ها براساس نزدیکی ایدیولوژیک نظام های اقتصادی بنا شده بودند، اما امروزه سرمایه گذاری مستقیم خارجی توانسته محوری برای نزدیکی بنگاه های اقتصادی، کشورها و همینطور بلوک های اقتصادی باشد. این امر برای کشورهای در حال توسعه اهمیت بیشتری دارد. در ایران عدم تعادل قابل ملاحظه ای در سرمایه گذاری - پس انداز وجود دارد. از سویی دیگر، مشکلات اقتصاد سیاسی سبب شده است که نیاز به متحدان اقتصادی و سیاسی برای این کشور بسیار حیاتی باشد. بنابراین، زمینه سازی برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی ضرورت می یابد. این زمینه سازی می تواند قسمتی به قوانین و مقررات، از جمله مواعینی که قانون اساسی ایجاد نموده، برگردد و از سویی دیگر، می تواند به فضای سیاسی کشور برای استقبال از سرمایه گذاری خارجی معطوف شود. ■

### پی نوشت ها

۱) اقبالی، علیرضا / تشکیل سرمایه و تفکر اقتصادی در احزاب سیاسی در ایران / انتشارات چاپخش / تهران / ۱۳۸۱.

۲) Christian Industrialism.  
۳) فریدمن، میلتون / سرمایه داری و آزادی / ترجمه غلامرضا رشیدی / انتشارات نشر نی / ۱۳۸۰ / صفحات ۳۴-۱۷.

- 4) Economic Maturity.
- 5) Age of Mass Consumption.
- 6) The Theory of Optimum Regime.
- 7) Pragmatism.
- 8) Conservative Socialism.
- 9) Kerr, K. / 1983 / The Future of

### توجه:

از شماره آینده، طی چند شماره، ترجمه گزارش بانک جهانی در مورد نتایج بررسی گسترده درباره رابطه میان جریان های سرمایه بین المللی و عملکرد اقتصاد در کشورهای در حال توسعه را درج خواهیم کرد. تا سطوح وسیعتری از این موضوع روشن شود. بانک و اقتصاد